

آقای نخست وزیر راجع به تهیه بنر متذکر میشود
 ۱. که قریه یا بخش یا شهرستان بقریه - بخش
 محل نمایند بایستی بمنظور احترام از جلوگیری
 مراجعه و تصدیق دایر بلزوم خریداری و حمل

بود. شماره ۱۰۸۳
 وزارت خواربار

س. خود را تحویل نداده و تصور کرده اند باستاند
 علاج میسراند چنانچه این اشخاص کلیه جنس مورد
 ات قانونا تعقیب خواهند شد وجه مقدار جنسی که
 ارد میشود از آنها دریافت خواهد شد.

۲-۲ آقای وزیر خوار بار

کشور بنامش خریداری میشود و روشندگان با ملاحظه
 گذشت پیشنهادات خودشان را تا آخر وقت اداری
 ۲ بعدنوق حسابداری داده باشند بدقت حسابداری
 صبح یکشنبه (۱۹) مهر که پیشنهادات باز خوانده
 و در پیروسانند وزارت کشور در رد یا قبول هر يك از
 ۲-۲ اداره حسابداری وزارت کشور

مزایده

ملك مشهور به زرگی واقع در میلا و جزء خانگی
 بت گذاشته شده و در اماره کسی هم نبیاضد طبق
 آقایان حاجی عبدالعزیز امین و شکرالله روغنی در
 ل از ظهر در شعبه اجرای آن اداره بطور مزایده
 ع در دستد با ششام زبان دیر کرد نسبت با صل وجه و
 ج میشود (مالیات حراج نسبت به اراض طلبستانکار
 باعث مقرر در محل مزایده حاضر و در خرید شرکت
 خواهد شد.

ماه ۱۳۲۱. شماره - ۱۰۵۵

از طرف رئیس ثبت دامهرمز - محمد نیازمند

تاریخ ۲۳ مرداد ۱۳۲۰

۱. (امیرزا) دختر اسدالله درخواستی بشماره ۳۴۳/۲۰
 اوساسانی بهلول فرزند ابوالقاسم که در ۱۳۱۳ ر ۲۱
 و گواهی حضر وراثت خواسته است دادگاه با ملاحظه
 و بت متوالی ماهی یکمرتبه در مجله رسمی ویکی از
 انحصار وراثت نامبرده بالا اعتراضی باشد خلاف سه
 ا بدادگانه تسلیم و چنانچه وصیت نامه از متوفی نزد
 تاج نشده ظرف هفت مدت بدادگانه بدهد و با انقضای
 از درجه اعتبار ساقط خواهد بود و گواهی تقاضا نامه
 دادرس شعبه ۵ دادگاه بخش طهران حسن اسلامی

مزایده

واقع در قریه سریتان سنک ۹۳ که به ثبت رسیده و
 مقررات ماده ۳۴ اصلاحی قانون ثبت جهت استفاده
 يك ساعت قبل از ظهر در ثبت مداوند بزمایده فروخته
 اضافه آجور عقب افتاده و زبان دیر کرد و هزینه های
 لغ ۵۰۰ ریال میشود شروع میگردد مطالبین
 ثر شده در خرید شرکت نمایند - مالیات حراج نسبت
 خ انتشار نوبت اول ۱۲ و ۲۱

رئیس ثبت مداوند - جلالی

شرکت سهامی خشکبار خوزستان از شماره ۲۸۸۵۶
 تا ۲۸۸۹۹ متعلق باینجاب در اهواز مفقود گردیده
 قانون وا ذرجه اعتبار ساقط است.

حاج علی فیصلی

بن خادوردیان بشتاننامه شماره ۱۱۱ باستاند بیکریک
 شماره ۲۱۹ و ۳۷۵ داده باینکه معبد باقر خادوردیان
 تهران جایگاه هیشگی خود فوت و حین الفوت ورثه
 بیکتر نام برده ورثه دیگری ندارد پس از شنیدست
 ار آگاهی میشود با گذشت مدت سه ماه از تاریخ نشر
 م خواهد شد و نیز اگر وصیت نامه از متوفی دارد در
 رسمی و سری باشد از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.
 رئیس دادگاههای بخش تهران حسن داودی

گهی

اقامت خود را تهران چهار راه گلوندک گذر شیخ
 بق گزارش مامور شناخته شده و فعلا لامکان میباشد
 شهرستان تهران بوده و بدو روز حبس تطبیعی محکوم
 و میت خود پووش خواسته اند رسیدگی تحت بشماره
 گردیده چون محل اقامت نامبرده غیر معلوم است بدین
 انتشار آخرین آگهی در شعبه چهارم دادگاه استان
 وتیز تذکر میدهد ابلاغات بعدی در این موضوع يك

مدیر دفتر شعبه ۴ دادگاه استان مرکز

یادداشتان

برحرم

دارنده و نویسنده کسروی تبریزی

بهای اشتراك
 سالانه ۴۰۰ ریال شش ماهه ۱۰۰ ریال
 سه ماهه در همه جا ۵۰ ریال
 بهای آگهی
 هر خطی: صفحه دوم ۴ ریال صفحه سوم ۳ ریال
 صفحه چهارم ۲ ریال

جای اداره
 خیابان لاله زار کوچه مهران بازار بهشتیاری
 تلفن ۶۰۳۶
 تك شماره ۵۰ دینار

پیام بدانشمندان اروپا و آمریکا

می دانم ایرادی نیز در زمینه خدا گرفته خواهد شد. فلسفه نون خدا را نمی پذیرد و نو
 اندیشان همگی منکر خدایند. این است پاسخ داده می گویم: ما خدا بآن معنی که فهمیده دبگران است
 نمی گویم. ما خدایی که از آسمان فرود آید و با یعقوب کشتی گیرد نمی شناسیم. ما از خدایی که فرزندی
 دارد تا آگاهیم. ما به خدایی که بالای هفت آسمان نشیند و بجهان فرمان راند باور نداریم. ما خدایی
 را می خواهیم که فهم و خرد آفرای می شناساند.
 کسانی می گویند: دانشا خدا را از میان برده. می گویم: دانشا خدایی را که ساخته خا خام
 و کشیش و ملا بود از میان برده. خدای راستی را همان دانشا بپا نشان میدهد. همان دانشا نشان
 میدهد که در این گیتی نظم و آراستگی برپاست: دستگامیت حیوانه می چرخد بآنکه اندکی نظم
 خود را از دست میدهد یا اندکی مستی رخ نماید. این نظم و آراستگی روشن می گرداند که این جهان از
 روی دانش و پیش بینی ساخته شده و یکصدصدی از آن در میان است و ما چون می اندیشیم این نظم و
 آراستگی از خود این جهان نتواند بود. این است ناگزیر شده باور می کنیم این جهان خود سر و
 جدا گانه نمی باشد و یکصد ستاره دیگری در پشت سر این برپاست. دستگامی که بودنش را می دانیم و
 از چگونه بودنش تا آگاهیم.

گاهی دیده ام برخی میگویند: شما چون از شرق برخاسته اید به پیروی از دیگران نام
 خدا را می برید. و گرنه برای نیکی جهان چه نیاز بنام خداست؟! می گویم من در کجا پیروی از
 دیگران کرده ام که در این باره کنم. من پیروی از دلیل می نمایم. این دلیلست که مارا بسوی خدا
 راه می نماید. ما باین جهان بی اختیار می آیم و بی اختیار می رویم. پس یکی هست که اختیار در دست
 او میباشد؟! یکی هست که نقش جهان را او کشیده؟!...

بیش از این گفتگو در باره خدا نیکم. آنچه باید روشن گردانم آنست که ما بعدا باور
 داریم و این راه خداست که می پیاییم. ولی ما نمی گویم آدمیان بهر پرستش خدا آفریده شده اند و
 باید همواره بآن پردازند و اگر نیز ندانند از خدا کیفی خواهند دید. چنان سخن از ما نزناس. خدا بی
 نیاز تر از آنست که از مردمان پرستش و نیایش خواهد و بزرگتر از آنست که یکس از این راه کیفی
 دهد. نیایش را ما باید کنیم نه آنکه خدا بیخواهد.

هر چه هست ما مقصودمان از بردن نام خدا آنست که مردمان جهان را یکدستگاه پیبوه و
 بیصاحب و خود را خودسر و برای هر گونه مستگیری یا بدکاری آزاد نشانند. هنگامیکه فلاسفه صدای
 می گویند: «هین جهان مادیت و بس» و زندگانی را نیز نبرد می نماند نتیجه این گفته های ایشان
 آن میشود که مردمان هر کسی خود را در هر کاری آزاد شارود و راه خوشی های خود از هیچ سستی
 باز نایسته و مسؤولیتی برای خود گمان نبرد. شامی بیند که امروز خون آدمیان همچون سیل روانست
 و سیاستگران برای آنکه فلان شهر را بگیرند هزاران و صد هزاران جوانان را میکشند و بکشتن میدهند
 و کمترین باکی بآروایی نمی نمایند و گمان هیچگونه مسؤولیتی نمی برند.

ما می گویم فلاسفه مدعی بظلمت رفته اند. جهان تنها این دسگاه مدعی نیست و زندگی نیز نبرد
 نمی باشد. می گویم هر کسی در این جهان بهرید کاری و مستکاری آزاد نیست. می گویم زندگی
 بهر آنست که آدمیان دست بهم دهند و جهان را آباد گردانند و از خوشبهای آن بهره بردارند و باید پیش
 نبرد کنند. می گویم: باید توانایان بنانوانان یاری کنند و آنان را با خود راه برند. می گویم باید
 دست ستیزگران بسته کرد و جلو بدکاران گرفته شود. می گویم: باید جنگ را با بدبها و مستکبرها
 کرد، باید نبرد را با بگراهیها و بیخردیها نمود. می گویم: باید هر کسی یکجای و وظیفه خود شناسد
 و بر این باشد که هر چه تواند نیکی کند. اینهاست که ما دین می نمایم. برای اینهاست که نام خدا را میبریم
 این راهی که امروز جهانیان گرفته اند بسیار خطاست. اگر آدمیان باید با هم ببرد کنند و
 بیناک و دروغ یکدیگر را بر زمین اندازند پس فرق میان آدمیان و درندگان چیست ای دانشمندان؟!
 پس این فهم و خرد و دانش که بآدمیان داده شده برای چه نتیجه است ای دانشمندان؟!
 امروز با این زندگی چه جمایی در میان آدمیان با بکرگان و پلنگاست، جز اینکه آنان
 با چنگال و دندان می درند و اینان برای دریدن و کشتن و سوزاندن و بهوا برآیندن و دیگر
 زبانکارها افزارهای دانشمندانه اختراع کرده اند؟! آیا همین يك جمایی مایه سرازاری برای آدمیان
 تواند بود؟! آیا آن کوششها که در راه دانشا رفته و عمر هزاران مردان از چنند در این راه تلف
 شده برای این يك نتیجه بایستی بود!...

آزادی بانوان

آبرویانه ای بگردش مشتواند.
 بنمود گفتم این چه آزادی است که زنان ما
 برای خود فراهم آورده اند!
 مگر هنوز چند سال است که چادر از سر بر
 انداخته اند که اینك بقدر حق میدهند که بالباس
 شب بخیابان شناهند و با در استخرها با هم را بکجا
 بشناوری پردازند.
 باری عاقبت بایبان مجبور بداخله گشت و آنان
 را باین سر وضع از گردش دوخیابان منع نموده
 این بود گفته های دوست من! مایز باید بگویم
 این گونه آزادی زنان را بر نداشتن شوم می کشاند
 مگر ما خود کم زبانی را سراغ داریم که
 بدبخت شده باشند مگر کم زبانی را می شناسیم که
 رو سیاه نگردد بد باشد!
 بانوان ایران! بدانید که این کارها جز مایه
 روسپاهی و بی آبرویی نتواند بود، از شام تا سحر
 باین و آن رقصیدن شمارا بسوی پرتگاهی هوانك
 میکشاند.

ما نیکوگیم دوباره بوضعیت چند قرن پیش باز
 گردید، غیر آزادی را بدست رضا شاه بدست
 آورده اید و این خود یکی کارهای برجسته آت
 شاه است مایه گوییم از این معادل و جمالی نیکت
 باز باز گردید و راه رستگاری پیش گریزید و گرد
 هوسبازی نگردید.
 پرچم - توده بپراچین باشد که زنان گاهی
 آن تند روی را در آزادی نشان میدهند و گاهی
 هم دوباره با زوری چادر افتاده یلای های خنکی
 که اینروزها در خیابان می بینیم بر می خیزند مادر است
 باره گفتارهایی خواهیم نوشت.

نامه سرگشاده

جناب آقای استاندار استان هشتم
 محترما خاطر جماعی را بر سرانب زیر جلب
 کرده و تمنا داریم عطف توجه جدی و سریعی در
 باره این امر حیاتی مبذول فرمایید.
 چنانچه استحضار دارید از وقتی که گندم در
 اهواز آزاد گردیده است روز بروز بر نرخ نان
 افزوده گردیده تا جایی که از دیروز هر نان ۱۵۰
 گرمی تقریبا به دو ریال فروخته میشود و اگر
 وضعیت نان به همین ترتیب باقی ماند چون هر چه
 ناوایان نرخ نان را بالا برند فروشنده گندم
 نرخ فروش را نیز بسرعت بالا خواهند برد بنا بر
 این مسلم است که بزودی نرخ نان از بهای کمر
 شکن فعلی که هر کیلو ۱۵۰ ریال است نیز بالاتر
 خواهد رفت بدلیل اینکه در همان دیروز باین گرانی
 بهاء بازار در دکانهای نانوائی ازدحام بی اندازه زیادی
 موجود بوده و برای تحصیل نان سر و دست شکسته
 میشد و بسیاری توانستند حتی نان بخور نمیزی به
 دست بیاورند و گرسنه ماندند.

ادامه این ترتیب موجب البته بر طبقه که دارای
 شغل آزاد هستند چندان فشاری ندارد زیرا آنان
 علاوه بر اینکه هر کدام بپراخور توانایی خویش
 خوار باری بدست آورده و تامین آتیه کرده اند
 بابالابردن نرخ فروش کالا بدستورد کار خویش چیران
 ترقی نرخ نان را کرده بلکه چنانچه میشود است
 از آشفتنی اوضاع زندگی استفاده میبرند - بدتر
 آنکه با داشتن خواربار ذخیره اکنون را از ترس
 آتیه نان از دکانها خریده و مستحق را هر چه زود
 مند تر می سازند.

بنابر این فشار و سنگینی این بار کمر شکن تنها
 بردوش طبقه حقوق بگیر و کارگر تحصیل شده چنانکه
 با وضعیت کنونی امرار معاش برای این طبقه بکلی
 منعدم گردیده است.

گذشته از بایبناها و خدمتگزاران جزء و رفت
 گران و زیر پایه ها فرض فرمایید يك نفر مامور
 دولت در ماه دوهزار ریال بگیرد یعنی در آمد او
 در روز ۶۶ ریال باشد و عائله این شخص هم از
 سه نفر بیشتر نباشد این شخص فعلا ۱۶ ریال از
 در یافتی خود را بایستی برای کرایه خانه و بهای
 آب و روشائی بپردازد خود سه نفر عائله اش فعلا
 در روز هر نفر ۵۰۰ گرم نان احتیاج دارند تا نیم
 سیر گردند بنا بر این اگر وضعیت به همین ترتیب
 باقی ماند (در صورتی هیچگاه نخواهد ماند) روزانه
 ۳۰۰ ریال باید نان بخردا کنون چنانچه تصور فرمایید
 آیا با ۲۰۰ ریال باقی مانده میتواند سایر هزینه های
 خوراک آرزوین برنج، سبزی، بومقند، و جای وغیره
 مانند سبکبار و پارچه و را تامین کند!

البته تصدیق میفرمایم چنین چیزی نشانی است
 با چنین اوضاع فلاکت بار و دلخراشی تصور فرمایید
 وضع زندگی کارگران و خدمتگزارانی که کثر
 از این مبلغ درآمد دارند چیست و روزگار رایه
 چه بدبختی میکشاند و عاقبت چه مرک سیاهی در
 کمین خود و عائله شان پناهتای بیرحمی دستگذا
 ایستاده است...

ما واضع کنندگان این درخواست که کارمندان
 دولت هتیم میدانیم که دولت نمیتواند فعلا حقوق
 همه را دو برابر سازد باضانه اگر هم دو برابر کرد
 باین ترقی سریع نرخها پس از یکماه دیگر باز
 اوضاع به همین متوال خواهد بود و همیشه سختی و بد
 بختی باقیانه مرک آور خود پیش رو خواهد بود
 بنابر این برای جلوگیری از این فلاکت دل
 خراش موش نرین و بهترین چاره بنظر ما، شنا کنندگان
 آنست که ذیلا بر سر آن مبادرت می نمایم.

این نکته کاملا مشهود است که با افزایش روز
 مره نرخ گندم فروشنده کار با هر نریند و ترتیبی
 که هست هیچگاه حاضر نخواهند شد گندم را تنی
 ۱۵۰ تومان بدولت بفروشند و با وضعیت کنونی
 جهان جمع آوری گندم باین ترتیب چنانچه تامین
 آذوقه شهر را کند علی نیست.

پس از این راه با هر قوه که بکار برده شود تا این
 آذوقه نخواهد شد بدلیل آنکه ناچار شده اند نرخ
 و آزاد سازند با دق نظر گرفتن این نکته پیشنهاد میکنیم
 برای تامین آذوقه شهر اقدام فرمایند شرکتی با سرمایه
 توانگران بلکه هر کس بتواند شرکت کند و
 حتی مامورین دولت هر کس بخواهد خود استطاعت
 خویش (مامورین ممکن است بهای نان یکی دو
 ماه خود را پیشکی بپردازد و سپس از محل
 پرداختی نشان دریافت دارند) تأسیس گردد با
 این شرایط.

۱ - شرکت تنها بسودی که از ده در صد
 زیادت تر باشد اکتفا کند.

۲ - اداره امور شرکت با عضویت افتخاری
 نماینده از تمام طبقات باشد نه تنها سرمایه داران
 شرکت بل بفرده که تأسیس گردید چون یکسانه
 شرکت گندم است هیچگاه نرخ گندم از تنی
 ۵۰۰ تومان تجاوز نخواهد کرد اگر فرض خود شرکت
 گندم را تنی باشد تومان بفرد و نان را هر کیلو
 پنج ریال بفروشد (هر نان دویست گرمی يك ریال)
 سود معتدل شرکت و هزینه نان بزی و سود
 نانوائیان از امزاد اینجه در حد حاصله از تبدیل گندم
 بنان تامین خواهد شد.

از اینجا و از آنجا

حاجی میرزا حسن رشديه



است حاجی میرزا حسن

۳ - اما برای توزیع نان طبقه مصرف کننده

جز انتفاع این ترتیب چاره نیست.

الف - کسانیکه تامین خوار بار کرده اند
 (طبقه بازرگانان و نظایر آنها) بایستی بکلی از
 خرید نان شرکت محروم و خود مکلف باشند
 از آنچه تامین کرده اند امرار معاش کنند. زیرا
 اگر خدای نکرده روزی فرا رسد که موجودی
 گندم کشور تمام شود و توده انبوه از گرسنگی
 بپرند کجای عدالت است که دسته در اثر ضبط
 سهمی نان دیگران از این بلیه معاف گردند.

ب - از تمام کسانیکه بایستی نان از شرکت
 بفروند (مامورین دولت و کارگران طبقه سوم)
 سر شاری دقیق بعلل آمده بدست هر رئیس
 خانواده کارت مخصوص با تعیین شماره دکان نانوائی
 که باید از آن نان بخرد و تعیین تعداد نانی که
 در روز میتواند بفرد (برای هر نفر بزرگتر از
 سه ساله باید گرم در روز داده شود.

ج - در تمام گویهای از روی حساب کارت
 هائیکه توزیع گردیده نانوائی تأسیس شود و هر
 نانوائی میکلف گردد جز بصاحبان کارتی که از طرف
 شرکت معرفی گردیده اند و روی کارت شماره
 دکان حین ملاقت مشخصه دیگری که بایستی تعیین
 گردد بفروشد.

د - خود شرکت با نظارت دقیق گندم را
 تبدیل به آرد کرده و آرد را تحویل ناوایان دهد
 و مقدار تحویلی بهر ناوایا کاملا از روی حساب
 کارتهای مربوط بآن نانوائی تعیین شود تا نظارت
 در عمل ناوایا از هر حیث آسان و هیتفکر که یکی
 از صاحبان کارت بدون نان مانده معین باشد که
 نانوائی مربوطه خلاف کرده و میزان خلاف او
 چقدر است و از روی آن با نهایت سختی بسی
 دوله کیفی ببیند.

ه - با این عمل باز بخت نان و توزیع آن
 نیز مرتباً تحت نظارت شدید قرار داده شود.

۴ - برای تامین گندم با استفاده از قانون
 منع احتکار بشرکت اجازه داده شود پس نظارت
 استاندارد در هر جا که ابار گندم سراغ گرفت
 چه در شهر و چه در دهات بشرط اینکه کوچکترین
 تبعیض در عمل پیش نیاید و رعایت جانب مستکبرین
 و سرمایه داران نشود گندم را کشف و با برداشت
 نرخ عادلانه تصرف نمایند.

نقشه عمومی که برای چاره این سختی بنظر
 این چنانچا رسیده این است که معروض گردیده
 بهدوسی است جزئیات آن را در صورتیکه مورد
 تصویب واقع شود تحت بررسی قرار خواهند داد
 از اینرو بعضی بیشتری نیازمند نیستیم پس آنکه
 ترتیب سهولت و بهتری اندیشیده و اتخاذ فرمایند.
 در پایان اضافه مینمایم که این چنانچا از احاطه
 تامین نان توده و کارمندان دولت حاضر بطبیعت
 خاطر در خارج وقت اداری هر روز چند ساعت در
 کار برداشتن آسار شهر و تنظیم امور شرکت
 و مراقبت آسیابانان و نظارت در بخت و توزیع
 نان انداختار و در منتهای صمیمیت و صحت عمل
 بکوشیم و هر کدام تا آنجا که از دشمنان برآید
 در پیشرفت امر شرکت مساعدت کنیم انتظار
 داریم چنانچه این سرپرستی این استان را در این
 هنگام غلطی بهمه داده اند این پیشنهاد را مورد توجه
 دقیق قرار دهید منتظر بروز نتیجه هستیم.

هرگاه تشکیل شرکت اشکال داشته و با تأسیس
 آن مدتی طول داشته باشد چون مسا کارمندان
 موظف بوظایف اداری بوده نمیتوانیم چندین ساعت
 برای خرید نان صرف وقت نماییم و از طرف
 دیگر برای تامین این منظور نوگر و کلفت نداریم

دفاع از آقای فروغ دادستان

اردبیل

آقای کسروی

در شماره ۲۴ مورخ ۵ مهر ماه جاری روزنامه
 خورشید ایران در صفحه ۳ ستون واردات خبری
 بدین مضمون: (آقای ستار زمانی شرکبه راجع
 به قرار دادستان اردبیل در وقایع شهر بورما نوشته
 بودند بعلت نداشتن امضاء و نشانی و توضیح کافی
 از درج آن خود اداری شد شخصا بدقت اداره مراجعه
 نمایند) درج شده بود که بینهایت موجب تأثر و
 تأسف هر خواننده گردیده و بنده را هم به توبه
 خود دچار تأثر فوق العاده نمود. زیرا اولاد فاضل
 آقای زمانی در اردیل شخصی بنام ستار زمانی
 وجود ندارد.

ممکن است آقای مدیر روزنامه خورشید ایران
 برای دفع هر گونه سوء تفاهم شخص مذکور را
 که بنام موهوم ستار زمانی مبادرت به تقدیم چنین
 گزارشی نموده بهتر و بیشتر معرفی فرمایند.
 در تانی علاوه بر اینکه عدم اهالی آذربایجان
 خصوصاً شهرستان اردبیل یکدل و یکجان از مراب
 جاشانی آقای حسین فروغ دادستان شهرستان
 اردبیل در تکیه موارد چه بوسیله چاپ و مجلات
 و چه بوسیله اولیای معظم امور قنردانی و سیاستگذاری
 نموده و وزارت دادگستری و سایر اولیای امور
 دولت نیز مکرر کتبا و تلگرافاً از مراب خدمت
 گراری و جانبازی آقای فروغ تقدیر فرموده اند
 ما نمیدانیم منشاء و مینه این قبیل گزارشات
 در تانی علاوه بر اینکه عدم اهالی آذربایجان
 و در ستار دولت نتیجه دیگری ندارد از جانب کدام
 يك از عناصر مقدمه جواست!

چنانکه مدیر محترم روزنامه خورشید ایران
 مایل باشند که در زمینه خدمات گرانهای آقای
 فروغ تحقیقات بیشتری فرمایند ممکن است يك
 عده از آقایان و محترمین اردبیل که در مرکز
 اقامت دارند... مراجعه و از ایشان قضیه اقدامات
 آقای فروغ را بدینشامد شهر یرو ماه تحقیق نموده
 حقیقت بدست آورند.

اردبیل شمس زاده

لذا مستعفی است دستور فرمایند چند باب بنانوائی
 برای کارمندان تخصیص دهند تا مقدار نانی که از
 روی آسار عائله بایستی داده شود از آن دکانها
 خریداری و بدین وسیله بتوانیم به وظایف خود
 عمل نماییم.

امام، اخلاقی، خیال، صادق نویری، صدر
 عضدی، شادنام، کافلیسان، صباح، پاسدار،
 یعقوب پناهی، رسدیان، جوانشیر، فربه و واضعهای
 بسیار دیگر.

پرچم - این شرح با امضای جمع مهمی از
 کارکنان دولت از اهواز رسیده و این بار چهارم
 است که ما در باره نان اهواز گفتار بجا میبرایم.
 راستی را حیرت آور است که اکنون که هنوز
 خرمنا از روی زمین برداشته شده کار نان در
 شهرهای ایران باینجا رسیده که دوشهری همچون
 اهواز بکمن ۴۵۰ ریال بفروشی می رسد و آنهم با
 سختی بدست می آید. تنها اهواز نیست. در قزوین
 هم نان منی سی ریال گشته میشود. در شهر های
 جنوب کار به نایابی کشیده و مردم بدبخت با کمیدن
 استخوان و کوبیدن هسته خرما و نان دوست کردن
 زندگی می کنند. باید بی برده گفت حال اگر
 این باشد در این یکسانی که می آید یکسان يك
 نیم از مردم ایران از گرسنگی نابود خواهند گردید
 همین حساسی را که در این گفتار رفته و میران در آمده

آخرین دفاع آقای مختار

در دادگاه (۱)

پس از نقطه نظری بدین شخص بنده این موضوع را در تبلیغنامه خود اضافه کرده اند. آقای دادستان میگویند برای اینکه از وزاری معتمد وقت دادگستری تقاضا کردم باز پرس و دادیار بشهریانی بفرستند منظورم این بوده است که دامن وزرای معتمد وقت را آلوده کرده و بدست باز پرس و دادیار مرتکب خلاف قانون بشوم اگر این تقاضا را نمی کردم امروز آقای دادستان بر سر پیشگاه دادگاه میرساندند که چرا مختار این تقاضا را نکرده بود؟ و یکی از دلایل اتهامیه من قرار میدادند و علاوه تصور میکنم اگر این تقاضا را هم نمی کردم دادستانها باز هم وظایف قانونی خود را انجام می دادند.

اتهامات دیگر بنده که آقای دادستان باز هم روی فرضیات بدون دقت به پرونده های اداری و مدارک آن اعدام نامه مفصلی بدادگاه معتمد تقدیم نموده اند راجع به (توقیفهای غیر قانونی) (سلب آزادی) (منصرف جلاوه دادن) (زجر و شکنجه) میباشد که معاندات خود را بر سر دادگاه خواهم رسانید. ولی چون آقای دادستان در بیانات اخیر خود بنده و مامورین شهرستانی را در رژیم گذشته تحت امر وزیر کشور فرض نموده و توضیحاتی راجع بقانون اساسی و رژیم گذشته داده اند اگرچه بنده لازم نمیدانم راجع باظهارات ایشان داخل جزئیات بشوم ولی بطور کلی عرض میکنم با اینکه رژیم گذشته مشروطه بوده است مجلس شورای ملی همان رژیم مشروطه ماده ۲ قانون اساسی ماه ۱۳۰۹ رئیس و تمام مامورین شهرستانی را تابع کلیه مقررات انضباطی وزارت جنگ قرار داده است و قانون مزبور هم فقط به آئین نامه انضباطی محدود نگردیده رئیس و کلیه مامورین شهرستانی در ردیف مامورین ارتش قرار گرفته و ریاست عالییه و فرماندهی کل ارتش و قوای تابعیه هم به اعلیحضرت همایون شاهنشاه وقت تفویض شده بوده است پس رئیس شهرستانی در رژیم مشروطه تحت اوامر مستقیم معظم له قرار گرفته بود. کما اینکه برای رعایت و اجرای مزبور امور اداری شهرستانی کشور از قبیل بودجه تأسیس شهرانیهای جدید عزل و نصب روسای شهرستانیهای درجه اول دوم - تئزل و ترفیع درجه پایه - و ران - غلط یا توقف درجه مستغیا بر سر میرسد و پس از تصویب به موقع اجرا گذارده میشد. وزارت کشور ابد مداخله نداشته و بطوری که قلا عرض کرده ام احکام کفالت و ریاست شهرستانی و درجه سرتیپی بنده هم حسب الامر از ستاد ارتش ابلاغ گردید و وزارت کشور مداخله نداشت. و نیز امور مهمه اداری هم بوسیله دفتر مخصوص شاهنشاهی و باوزارت جنگ ستاد ارتش بر سر میرسد و ابلاغات و اوامر کتبی و شفاهی صادر و بوقع اجرا گذارده میشد. و راجع به چهل پرونده اداری که آقای دادستان اعدامنامه تنظیم کرده اند و در هر مورد با مدارک و دلایلی در باز جوی توضیحات لازم عرض کرده ام ولی متأسفانه آقای دادستان در هر پرونده که ابلاغ کتبی بوده و طرز کار پیشینه داشته میگویند بنده ذهن اعلیحضرت همایون شاهنشاه وقت را مشوب نموده ام و هر موضوعی که با دلایل صحیح عرض کرده ام بر حسب اوامر شفاهی اقدام شده است میگویند قابل قبول نیست و اوامر شفاهی اصلا صادر نشده است.

اگر آقای دادستان معتقد نیستند که اوامر شفاهی صادر میشده است پس چرا بر تده های آقای متین دفتری و تیسار سر لشکر جهانبانی و آقای آملی و آقای دشنی و آقای رهنما و آقای آملی اکبر متین دفتری عضو وزارت خارجه و آقای دکتر مصدق که حسب الامر در تاریخهای مختلفه توقیف و بستی از همین آقایان هم تبعید و بعدا مورد عفو ملوکانه واقع شدند و نیز عده دیگری از توقیف شدگان که از طبقه سوم بوده اند بجزریان نینداخته و برای توقیف قانونی بر علیه بنده اعدامنامه تنظیم نکردند پس آقای دادستان معتقد می باشند که بر حسب اوامر شفاهی هم اشخاص توقیف و تبعید میشده اند.

۱ - بطوریکه قلا هم عرض کرده ام چه قبل و چه در زمانی که بنده رئیس شهرستانی بودم برای متهمین سیاسی قرار باز داشت صادر نمیکردند و این سابقه بد یا خوب را داد سرا های وزارت دادگستری در شهرستانی گذاشته بودند زیرا صدها پرونده های سیاسی را بدون قرار باز داشت داد سرا ها قبول نمیدادند و باز پرسان و داد ستانها رسیدگی کرده و اعدامنامه صادر و بدادگاه های مربوطه احاله میدادند و در این مدت بهیچوجه کتبا و باشفاهانه از طرف داد ستانها و نه از طرف وزارت داد گستری تذکری داده نشده است و اغلب دادستانها زندان را باز دید و سرکشی می کردند. و مخصوصا (آیرم) بخشنامه صادر نموده است که برای متهمین سیاسی قرار باز داشت صادر نشود و این بخشنامه را آقای باز پرس ضمیمه پرونده اتهامیه بنده نموده است که البته ملاحظه فرموده اید (از (آیرم) هم همین رویه معمول بوده و پیشینه

ترجمه آقای سید نصرالله سروش

گفتار پرفسور فوکس انگلیسی

یا گفتارهای آفرینش

۳۲-

فصل نهم

کپوتران قاصد

تجربانی در این خصوص شده است از جمله پرواز هفت کپوتر تربیت شده را نام می بریم که آنها را از شهر (کنت) واقع در فاصله یکصد مایلی خانه شان رها کردند. یکی از آنها همان روز بخانه خود در (نارویج) رسید دیگری صبح روز بعد وارد شد و پنجاهای دیگر اصلا پدیدار نشدند.

در آزمایش دیگر که از فاصله کثیر صورت گرفت همه کپوترانی که شرکت نموده بودند بخانه خود برگشتند.

در این آزمایش نیز هفت کپوتر تربیت شده شرکت نمودند و همگی بفاصله ۵۸ میل دور از خانه شان پرواز کردند سه تای آنها همان روز با هم وارد شدند و سرعت پروازشان دو ساعت با تصور اینکه بقط مستقیم حرکت کرده اند ۱۸ میل برآورد شد ولی این سرعت برای پرواز کپوتران بسیار کم بنظر میآمد و معلوم می شود حرکت آن بقط مستقیم نبوده است - ۴ کپوتر دیگر هم بخانه خود برگشتند ولی بعد از ۱۹ روز باین حساب مدتی بین راه سرگردان مانده بودند تا آنکه نشانی هایی در نزدیکی خانه شان پیدا کرده اند.

بنابراین نتیجه در بالا ذکر شد اگر کپوتران قاصد را برای مدت معین و بشرتین مخصوص تربیت نمائیم می توانند بهتر از کپوتران تربیت نشده بخانه خود مراجعت نمایند. کپوتران تربیت شده خیلی کمتر از کپوتر های دیگر نابینا می شوند - کپوتران تربیت شده باسانی و فوری جانب خانه خود را ملنگ شده بطرف مقصد پرواز میکنند و از قطب نمائی که در کله آنها تولید شده استفاده میکنند و در صورتیکه ما هنوز اطلاع صحیحی از وجود چنین قطب نمائی نداریم و می بینیم کپوتران تربیت شده نیز راه خانه خود را پیدا میکنند چنانکه بر طبق آزمایشی که شرح آن در فصل گذشته داده شد چلچله های (برمن) این گونه پروازها را انجام می دهند و ما فرق بین کپوتر تربیت شده و تربیت نشده را نمی توانیم شرح دهیم.

این مسئله که چگونه حیوانات راه خانه خود را یادی گیرند یکی از بزرگترین خواشهای زیست شناسی است و علما تا کنون نتوانسته اند فرضیات اساسی برای روشن شدن این مسئله بنمایند. انگلرند نزدیک ندارد که در آینده آزمایش های علمی این غامض را برای ما حل خواهد کرد.

شماره ۸۱۰۱۶۱۴۴
۱۳۲۱۶۲۶

آگهی مزایده

سه دانگ مشاع از شش دانگ بکیاب خانه پلاک شماره یک قرعی از ۱۵۹ اصلی واته در بخش سه آبادان (احمد آباد خیابان ششم) ملکی آقای عیسی بهمنی که ثبت رسیده و در اجاره رسمی هم می باشد) برای استفاده طلب بانو خیری خوشانی برابرمقررات ماده ۳۶ اصلاحی قانون ثبت در روز سوم آبانماه ۱۳۲۱ ساعت سه قبل از ظهر در اجرای ثبت آبادان به مزایده گذارده می شود و مزایده از مبلغ ۷۹۳ ریال تن معامله و خسارت دیر کرد نسبت باصل وجه و حقوق دیوانی و هزینه مزایده و مالیات حراج شروع خواهد شد (مالیات حراج نسبت ببازاد طلب بستانکار بهمه خریدار است) طالبین می توانند در روز وساعت مقرر در محل نامبرده حاضر و در خرید شرکت نمایند.

این آگهی در ظرف بیست روز سه مرتبه منتشر خواهد شد - تاریخ انتشار آگهی نوبت اول ۱۴ مهرماه ۱۳۲۱ ش ۱۰۸۵

رئیس ثبت آبادان و خرمشهر - روح الله کیا

های زیادی موجود است.

ولی متأسفانه معلوم نیست آقای دادستان از چه نقطه نظر بطرز کار و پیشینه ها توجه نکرده و بنده را برای اینکه اتهامات متقیب و اعدامنامه صادر کرده اند. در صورتیکه مقامات قضائی چون دران مدت تذکر نداده اند این رویه شهرستانی را غیر قانونی نمیدانند.

۲ - اما راجع به زمین سیاسی که پس از اقتضای مدت محکومیت به شهر تابعیه شده و اعمالشان تحت مراقبت قرار میگرفت همانطور که در بازجویی عرض کرده ام قبل از بنده هم تمام روسای شهرستانی حسب الامر این اقدام را میکردند و پیشینه های زیادی در شهرستانی موجود است - حتی (آیرم بدوخت) اینکه ابلاغ کتبی تحصیل نمایند متهمین را به تبعید مینمود و این امر کلی بود که بوقع اجرا گذارده میشد. تنها بنده در هر مورد ابلاغ کتبی تحصیل مینمودم و اگر امر کلی صادر نشده بود تبعید این قبیل اشخاص مورد تصویب ملوکانه واقع نمیکردند. پس اگر پیشینه ها مراجعه شود معلوم میشود آنچه که طبق اوامر صادره قبل از بنده معمول و مجری بوده اقدام نمیکردند. و اگر سه یا چهار نفر هم از این قبیل اشخاص پس از مدت محکومیت مرخص شده اند بر حسب اوامری بوده است که قلا فرموده بودند و بنده ملت تقدیم پیشنهاد و عرض گزارش را در بازجویی توضیح داده ام.

راجع بادعای آقای دادستان در موضوع مقصر جلاوه دادن اشخاص هم کلا بی موضوع است و از نقطه نظر بدین آقای دادستان این نسبت را بنده داده اند زیرا هیچکس را من مقصر جلاوه ندادم و با اینکه آقای باز پرس عدم نظر مادی و خصوصی بنده را در قراریکه ضمیمه پرونده اتهامیه است تصدیق کرده اند آقای دادستان بطور فرض کرده اند اشخاص را مقصر جلاوه میداده ام - آیاچه نفعی برای بنده داشته است؟

هرگاه منظور آقای دادستان پرونده جهانسوزی و آقای غفاری) و اشخاصی که مربوط به آن پرونده است میباشد اگر به ابلاغ صادر از دفتر مخصوص شاهنشاهی شماره ۲۰۵۲ مورخه ۸-۳-۳۱۹ که بد از تقریریا ۸ ماه محاکمه متهمین پرونده مزبور ابلاغ گردیده و آقای طه مفاد آن را در دادگاه معتمد قرائت کردند توجه مینمودند تصدیق میکردند که بنده اشخاص را مقصر جلاوه نینداختم تعجب اینست که آقای دادستان در بیانات خود اظهارات (جهانسوزی) در میان افراد هر ردیف خود اظهارات انتقاد آمیزی نمیکرد مختار بعنوان قیام بر علیه حکومت مشروطه برای او پرونده تنظیم کرده و

و بطوریکه در بازجویی عرض کرده ام حسب الامر (محمد هادی) باز داشت نگردید و مشارالیه بدو تقریرا یکصد در یکی از اطاقهای اداره سیاسی شهرستانی سابق در میدان سپه که مشرف به میدان سپه بود باز داشت و وضعیت آن اطاق برآب بهتر از زندان بود زیرا در دیوای شیشه ای داشت که در ایوان باز میشد و در ایوان هم که مشرف بپیدان سپه بود متصل مامورین شهرستانی و اشخاص متفرقه ایاب وذهاب میکردند - بطور ممکن است دو پاک چنین معالی «محمد هادی» بی پای باشد

آگهی

چون عده زیادی از کارمندان ادارات و دوایر وزارت دارائی بوزارت خواربار منتقل گردیده اند و این وزارت از حیث کارمند بی نیاز میباشد خواهشمند است آقایانی که برای تعیین شغل و استخدام تقاضا هائی دارند فعلا از مراجعه بوزارت خانه و اداره مستشاری خواربار خودداری فرمایند.

شماره ۶۴۵۱۳۴

رئیس اداره دفتر وزارت خواربار - میکده

آگهی

در تعقیب آگهی منتشره از طرف جناب آقای نخست وزیر راجع به تهیه بنر متذکر میشود مالکینی که میخواهند بنر مورد احتیاج خود را از یک قریه یا بخش یا شهرستان بفریه - بخش و یا شهرستان دیگری طبق مقررات آگهی نامبرده حمل نمایند بایستی بنظور احتراز از جلوگیری مامورین دولت قلا بادارات کشاورزی و دارائی محل مراجعه و تصدیق داری بلزوم خریداری و حمل بنر اخذ نمایند.

تصدیق نامبرده بنرله پروانه عبور خواهد بود.

شماره ۱۰۸۳

وزارت خواربار

شماره ۳۱۱۶۲۰۴۱
تاریخ ۱۳۲۱/۴/۱۸

آگهی مزایده

سه دانگ مشاع از شش دانگ بکیاب خانه واته در خیابان جامی تحت پلاک ۳۰۸۷ بخش یک آبادان ملکی آقای محمد بنی عابدین بور که تقاضای ثبت شده و در اجاره هم نیست در قیال طلب آقای مطهر ناصری بمبلغ ۴۳۵۵ ریال اصل تن معامله ۲۲۲۹۰۰ ریال حقوق دیوانی و ۳۰۴۸۵ ریال خسارت دیر کرده و یکصد ریال هزینه که مزایده و مالیات حراج جمعا ۴۰۹۲۷۵ ریال میشود در روز دوازدهم مهرماه ۱۳۲۱ ساعت سه قبل از ظهر در شعبه اجرای ثبت آبادان به مزایده گذارده می شود مالیات حراج نسبت ببازاد طلب بستانکار بهمه خریدار است طالبین می توانند در روز و ساعت مقرر در جایگاه تعیین شده حضور بهیرسانیده و در خرید شرکت نمایند - این آگهی در ظرف بیست روز سه نوبت منتشر می شود.

رئیس ثبت آبادان و خرمشهر - کیا

اداره روزنامه خورشید ایران

در محل سابق نیست و بدین دیگر انتقال خواهد یافت - تا موقع انتقال به محل جدید مراجعات بمنزل مدیر خیابان ژاله کوچه فلاح آخرین کوچه نرعی دست چپ کاشی ۳ تلفون ۷۳۰۱ خواهد بود

۳-۳

شماره ۱۰۵۵
تاریخ ۱۳۲۱/۷/۲۵

آگهی

برای اطلاع آقایان علی شهید زاده وارد شرح شاعنیان مدیران شرکت سهامی دیلم آقای علی اکبر عیسی بوکالت آقای حسن بالا غفاری بر شرکت سهامی دیلم که قیلا ساکن خیابان سیدی قرب مغازه کارزونی بوده و قلا مجهول النکان است به واسطه توقیف باستاند رو نوشت اجرائیه ۱۳ صادره خواهان بر علیه خواننده دادخواستی نموده طبق برگ اجرائیه بیست بواسطه عدم پرداخت محکوم به توقیف شرکت خواننده طبق ماده ۴۱۲ قانون تجارت معزز است صدور دادنامه توقف مورد تقاضا است پس از وصول دادخواست و تعیین وقت رسیدگی برای دور سه شنبه یازدهم دیماه ۱۳۲۱ ساعت یازده و نیم چون محل اقامت خواننده غیر معلوم معرفی شده لذا طبق ماده ۶۰۰ قانون آیین دادرسی مراتب جهت اطلاع خواننده در روزنامه و محله رسمی آگهی میشود چنانچه خواننده در وقت مقرر در شعبه ۸ دادگاه شهرستان حاضر نشود دادگاه طبق مقررات اقدام قانونی خواهد نمود چنانچه بعدا ابلاهی در روزنامه حاضر شود قطعیات نوبت درج میشود و مدت آن ده روز است

مدیر دفتر شعبه ۸ دادگاه شهرستان تهران - علاءالدین مسافه

۳-۳

دادگاه یازدهم بخش تهران (تجریش)

آگهی

روز بیست و نهم اردیبهشت هزار و سیصد و بیست و یک

برونده - متوفی دادگاه یازدهم بخش تهران (تجریش)

دادرس - عبدالملکی بوشان

مهدی ابوالقاسم البرزی - بیخ فروخان مرحوم حاجی محمد یوسکنه - متوله ۱۲۶۴ خورشیدی دارای شناسنامه شماره ۷۷۲ مورخ ۳۱/۳/۳۰۴ صادر از تجریش روز یکم اسفند ۱۳۲۱ در تجریش جایگاه حبسکی خود مرده است.

زمینه البرزی دارای شناسنامه شماره ۲۷۴ مورخ ۳۱/۳/۱۳۰۴ (صادر از تجریش زن متوفی باستاند گواهی چهار نفر گواه که در دادگاه گواهی داده تقاضای تصدیق باصفا وراثت خود و (۲) هاجر البرزی دارای شناسنامه ۲۷۳ و (۳) مریم البرزی دارای شناسنامه شماره ۲۸ - ۱۳۰۷/۲۱۹ و (۴) سکینه البرزی دارای شناسنامه ۴-۱۳۱۵/۳۱۳ و (۵) محمد آقا البرزی شناسنامه ۱۲۷ - ۱۳۱۰/۳۱۳ همه صنادق از تجریش سه دختر و یک پسر متوفی را نموده مراتب سه بار - مرده در محله رسمی وزارت دادگستری و یکی از روزنامه های تهران اعلان میشود تا اگر کسی اعتراضی دارد از نشرنخستین اعلان نامه ماه نوشته و بدین دادگاه بفرستد وگرنه تصدیق داده خواهد شد و نیز هر کس وصیت نامه از متوفی دارد در مدت سه ماه مقرر ابراز دارد وگرنه پس از افضله مدت جزء وصیت نامه سری هر وصیت نامه ای ابراز گردد از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

شماره ۵۳۶ - ۳-۳

شماره ۳۴۳۳

آگهی مزایده مال غیر منقول

چهار سهم مشاع از منقسم بیست و چهار سهم شش دانگ آب و زمین قریه چقا سرخ درای پلاک شماره ۱۷۰۱ واته در قطعه دو بخش سه دزفول ملکی مرتضی رشیدیان که ثبت رسیده و در اجاره نیست در قیال طلب وراث مرحوم فتح الله تنی در روز سوم آبان ماه ۱۳۲۱ ساعت دو قبل از ظهر در اجراء ثبت دزفول بر طبق مقررات ماده ۳۴ اصلاحی قانون ثبت بزیاده گذارده خواهد شد و مزایده از مبلغ ۲۷۴۰۰ ریال اصل تن معامله و خسارت دیر کرد نسبت باصل وجه و حقوق اجرائی و هزینه مزایده و مالیات حراج آغاز می شود (مالیات حراج نسبت ببازاد طلب بستانکار بهمه خریدار است) طالبین می توانند در روز و ساعت معینه در محل مزبور حاضر و در خرید شرکت جویند.

این آگهی در ظرف ۲۰ روز سه نوبت منتشر می شود - تاریخ انتشار آگهی نوبت

اول ۱۴ مهر ماه ۱۳۲۱

ش ۶۰۸۴

رئیس ثبت دزفول - مقتدوی

شرکت چاپخانه های



دارنده و نویسنده کسر وی تریزی

پیام بدانشنه

این سخن که زندگانی نبرد ام تواند زور و توانایی خود را بکار اندازد نیز نبرد می کنند و با زور و توانایی زندگانی را نشناخته اند.

بلک اختلاف بزرگی میان ما با میکشد و چندان جدایی میان آنان نمی گز جهان را برای آدمیان آفریده. آنان آدم ولی نشان داده ام که آدمی جز از تن و فلاحه می گویند: «در جهان» از آدمیان و چه از دیگر جانداران - تنها همیشه با دیگران در کشاکش می باشد» چهارپایان و درندگان و جانورانند که می ولی آدمی نیستند است. ما پنجم خود می بینیم ساخته ناش از پلو می دهد. اگر کسی را د او راه را میگرداند.

باین سخن دامنه می دهیم. در چا نیازی بشیرد و کشاکش ندارند. بلکه چون که بیکدیگر یاری کنند و توانایان دست نا که بفلط وواج یافته و بیمه گوشه رسیده ا و در هیئت زمینه است که من از شما دانش این يك اندیشه غلط فلاحه بیچ جنگهای ریشه برانده ای که در میان دولت بر پا گردیده - بیش از هر چیزی نتیجه آ و دست می دارند اگر بیرسم این کشتار و و هر توده و هر آزادی باید نیرومند باشد و کرد و بر سرگی خواهند نمود - ایست - های فلاحه را باز گرفته اند و بدینسان دست بدآموزی در هم آمیخته باین جنگ و خونریز باید بگفت: شما بزرچه می بریزید. آیا جفا است و بهیچکسان تیرسد؟ آنگاه از این دما باید بدیگران چیره گردید و آنها را دایمی توده های نیرومند دیگر ترسند و چرا نمی اندیشند که توده های که شما میخواه و دانش دارند و تا نتوانند کردن بیوغ شد این اندیشه غلط کار خود ر اندیشی پایه آدمی را بسیارست گردانیده ا توده ها ناگزیری نیست و می توان بجلو بدیگری حق چیرگی نیست - چیرگی جز پیدا کرده و توانان از دیگران شده باید آورد و در راه تمدن همگام گردانند. این اختلافی افتاده باید با داوری فیصله یابد و اختلافی که در میان دو کس است چه تفاوتی باید بینک و خونریزی برداشت و کشتار کا

نامه سرگشاده

بنجانبان آقای نخست وزیر

و آقای وزیر دارائی

اداره اقتصاد آذربایجان که ملاک خر مالکین را میزبانی ملاک قرار داده مطابق در سال قبل درین سال میزان صدی ۷۰ می مطالبه صدی ۳۰ برای مصرف مالکین مع است بدون توجه به بخشها را یکسان تر در حالی که خللاغات عیدیه دیده از قبیل اشرا و سرما زده گی محصول پاییزه که آن علل محصول خللاغات صدی ۱۰ نسبت ب تصان وارد چنانچه از ۳۱۴ پارچه دهات فقط ۲۵ پارچه دهات ممکن است بهر مالک مازاد باشد و احتیاج مهمی نداشته باشد بقیه پارچه دهات بحدی ام بزل سو کند فقدان هیچ از صدی سی گرفته الی صدی هشتاد آ و را نامی دارند علاوه اینکه سهم ما باید مصرف کنند بایستی مجاز باشد از گ فروش مواشی و مختلفه شان خریداری کرده آ و تا همین نمانند و بابا باهل و جبال عوام ما مجار در بخشهای گیلان با مزدوری و تکدی اعاد بنابر این نوع که علی الشاعده عرض میشود ما از افغانه دار که اداره اقتصاد خریداری نموده ایم حمل نماید اگر متصدیان امر برخلاف وج انصاف این عمل را باقرس مازوری انجام دهند و با رعایا مالکین و قبی نگذارند در نتیجه بهار در خللاط مجامه حکم فرما تلفات هزاران تنی است ۱۰ مامورین بی علاقه نزد وجد در محله های باری مالی مسئولیت توجه آنان است از اینکه اخذ غله صدی هفتاد و سیزد املاک باره ما مغرور به بواسطه اینکه برای مالکین غله مانده که رعایا مساعدت کنند) خواهد نمود